

آسیب‌شناسی اقتصاد رفتاری اولیای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی هیئت امنایی ناحیه یک اردبیل با استفاده از نظریه داده بنیاد

دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹
پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷

وحید امیریلر^۱

دانشجوی دکتری، مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

جواد سلیمانپور

استادیار، برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

چکیده:

این پژوهش با هدف تأثیر اقتصاد رفتاری اولیای دانش‌آموزانی که فرزندان خود را از مدارس عادی به مدارس ابتدایی هیئت امنایی انتقال داده‌اند انجام شده است. به جهت ویژگی‌ها و شرایط مسلط بر این مدارس برای دستیابی به هدف این پژوهش از نظریه داده بنیاد و برای گردآوری داده‌های مورد نیاز مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. جامعه مورد مطالعه، شامل کلیه ذی‌نفعان اقتصاد رفتاری در مدارس هیئت امنایی ابتدایی ناحیه یک اردبیل هستند؛ این افراد به واسطه موقعیت خود، ارتباط نزدیکی با این مدارس داشته و اطلاعات بیشتری در اختیار دارند. از اطلاعات گردآوری شده در مصاحبه‌ها، بر اساس فرآیند نظریه داده بنیاد، طی مراحل سه‌گانه کدگذاری داده بنیاد (باز، محوری و انتخابی) به ترتیب ۱۰۱ کد باز، ۴۴ مفهوم و ۲۳ مقوله استخراج گردید. در مرحله نهایی نیز مقولات در ذیل مؤلفه‌های اساسی نظریه داده بنیاد (شرایط علی، محوری، مداخله‌ای، راهبردی و پی‌آمدی) قرار گرفتند و نهایتاً مدل نهایی پژوهش شکل گرفت که عملکرد اقتصاد رفتاری والدین به عنوان مقوله محوری و نبود نیروی انسانی کافی و کمبود تجهیزات به عنوان مقوله‌های زمینه‌ای مشخص شدند و در صورت ایجاد شرایط و امکانات مناسب تواناسازی مدارس و نیروی انسانی، عدم تمرکز و تفویض اختیارات به مدارس عادی، مشارکت همه جانبه اولیا در مدارس پیامدهایی مانند گسترش عدالت آموزشی، مشارکت همه جانبه اولیا در مدارس، افزایش کارایی مدارس، جلوگیری از تراکم دانش‌آموزان در مدارس و بالابردن اعتماد اجتماعی به مدارس را به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: اقتصاد رفتاری، مدارس هیئت امنایی، نظریه داده بنیاد.

^۱ نویسنده مسئول: Vahidamirilar@gmail.com

Pathology of behavioral economics of parents of primary school students of Ardabil district 1 board of trustees using data foundation theory

Receipt: 2020/11/09

Acceptance: 2020/12/07

Vahid Amirilar¹

PhD Student, Educational Management, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

Javad Soleymanpoor

Assistant Professor, Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

Abstract:

This study aims to investigate the behavioral economics of parents of students who have transferred their children from regular schools to board of trustees primary schools. Due to the characteristics and conditions prevailing in these schools, the data theory of the foundation was used to achieve the purpose of this research. In order to collect the required data, a semi-structured interview was conducted and the study population includes all stakeholders in behavioral economics in the boarding schools of District 1 of Ardabil. They have the authority. From the information collected in the interviews, based on the foundation data theory process, 101 open codes, 44 concepts and 23 categories were extracted during the three stages of foundation data coding (open, axial and selective), respectively. In the final stage, the categories were placed under the basic components of the foundation data theory (causal, pivotal, interventional, strategic and consequential conditions) and finally the final research model was formed. The performance of parental behavioral economics as a central category and the lack of sufficient manpower and lack of equipment were identified as underlying categories. With appropriate conditions and facilities in place, empowerment of schools and human resources, lack of concentration and delegation of authority to ordinary schools, comprehensive participation of parents in schools, consequences such as expanding educational justice, comprehensive participation of parents in schools, increasing school efficiency, preventing knowledge accumulation students in schools and will increase social trust in schools might result.

Keywords: Behavioral Economics, Board Of Trustees Schools, Foundation Data Theory.

¹ Corresponding author: Vahidamirilar@gmail.com

مقدمه

اقتصاد رفتاری را به طور ساده می‌توان رویکردی در مطالعات اقتصادی در نظر گرفت که در پی وارد کردن مؤلفه‌های رفتاری و پدیده‌های خرد در فرایند نظریه‌پردازی و مدل‌سازی است؛ مؤلفه‌هایی که غالباً در رویکرد متعارف علم اقتصاد به آن توجه نمی‌شود. اقتصاد رفتاری، خود را در درون جریان غالب اقتصاد متعارف قرار می‌دهد و می‌کوشد پیش‌فرض‌های واقع‌گرایانه‌تری برای اقتصاد متعارف فراهم سازد. اقتصاد رفتاری شاخه‌ای از اقتصاد است که با رویکردی بین‌رشته‌ای، درصدد است تا بنیان‌های نظری، دستاوردها و ابزارهای سایر شاخه‌های علوم-اجتماعی و انسانی نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را با اقتصاد پیوند دهد و بر این اساس ضمن اصلاح فروض اقتصاد متعارف، نظریات واقع‌گرایانه‌تری را برای بررسی جنبه‌های مختلف اقتصادی ارائه کند و بدین وسیله، تحلیل، تبیین و تجویز دقیق‌تر و کارآمدتری برای موضوعات مطرح در اقتصاد ارائه دهد (Rahbar et al, 2013).

اقتصاد رفتاری به حوزه‌ای از دانش جدید درحال پیشرفت علوم بین‌رشته‌ای گفته می‌شود که با بررسی رفتارهای مشهود بشر، الگوهای رفتاری، عوامل مؤثر بر رفتار و تطابق یا مغایرت با نظریه‌های موجود را کشف و معرفی می‌کند و در معرض تحلیل، کاربست و نقد علمی قرار می‌دهد (porfaraj et al, 2015). علم اقتصاد رفتاری مبتنی بر این ایده است که افزایش شواهد روان‌شناختی واقع‌گرایانه، در تحلیل‌های اقتصادی، توانایی علم اقتصاد در تحلیل و پیش‌بینی واقعیت‌های زندگی انسان را بهبود می‌بخشد و به این حوزه از علوم

انسانی سیاست‌های بهتری را پیشنهاد می‌دهد. برخی شواهد تجربی این ادعا را تأیید می‌کند که رفتار واقعی انسان‌ها با آنچه در اقتصاد متعارف فرض می‌شود متفاوت است. بولز در مورد رفتار والدینی که کودکانشان را به مهدکودک می‌سپارند این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که برخی والدین به دلایل مختلف دیرتر از ساعت مقرر برای تحویل گرفتن فرزندان خود به مهدکودک مراجعه می‌کنند؛ به طوری که مسئولان مهد کودک ناچار می‌شوند که مدت زمانی را در مهد بمانند تا والدین سر برسند. وی این دیرکردها را برای چند هفته در ۱۰ مهد کودک اندازه گرفت. پس از اتمام این دوره در برخی مهدکودک‌ها برای دیرکرد جریمه‌هایی برابر با سه دلار برای هر ۱۰ دقیقه دیرکرد تعیین شد؛ با وجود این، آنچه در عمل مشاهده شد با پیش‌بینی اقتصاد مبتنی بر فرضیه‌های کلاسیک سازگار نبود. مدت زمان دیرکرد در این مهدکودک‌ها به دو برابر افزایش یافت. در شناسایی این مشاهدات می‌توان گفت والدینی که با جریمه پولی برای تأخیر مواجه شدند از احساس شرمندگی در برابر مسئولان مهدکودک‌ها رهایی یافتند؛ در نتیجه رفتار آن‌ها مانند رفتارشان در بازار کالاها و خدمات شد و آن‌ها حاضر شدند پول بیشتری بپردازند و زمان بیشتری بدون احساس گناه تأخیر کنند. والدین این علامت را از مسئولین مهد کودک‌ها دریافت کرده بودند تا زمانی که حاضر باشند جریمه را بپردازند مشکلی برای دیرکرد وجود ندارد. آن‌ها فرض نمودند که قیمت اعلام شده بر مبنای حساب سود و زیان مهدکودک تنظیم شده است؛ به عبارت دیگر، پیش از گذاشتن جریمه سیستم اخلاقی بر رفتار آن‌ها حاکم بود. وضع جریمه این سیستم را با سیستم پولی جایگزین کرد که در این مورد کارایی کمتری داشت. در ادامه آزمایش بولز و همکارانش

زمان کافی برای آن‌ها وجود دارد، روش‌های اکتشافی را به کار می‌گیرند. مغز ابزارهایی را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا این روش‌های اکتشافی را توسعه دهند و به کار گیرند. این روش‌های اکتشافی که از طریق هیجان، ترس و شهود عمل می‌کنند، در نحوه تصمیم‌گیری انسان بسیار مهم هستند. از دیدگاه اقتصاد متعارف صرفاً بخش متفکر مغز است که می‌تواند امکان تصمیم‌گیری بهینه را برای انسان فراهم آورد (Altmak, 2012). همچنین اقتصاددانان رفتاری ثابت کردند که افراد در برخی موارد کاملاً غیرمنطقی رفتار می‌کنند و انطباق تصمیم‌گیریها و قضاوت‌های آنها با مدل‌های عقلایی تقریباً ناممکن است و روان‌شناسان نیز نشان دادند که روش‌های جدید عقلانیت الگوهای طبقه‌بندی شده‌ای را در پی دارد (porfaraj, 2013).

در زمینه اقتصاد رفتاری در سازمان‌های آموزشی پژوهشی یافت نشد، اما در این زمینه چندین چکیده مقاله مرتبط با اقتصاد رفتاری مورد مطالعه قرار گرفت که از میان آن‌ها ۵ مقاله فارسی و ۵ مقاله خارجی انتخاب شد و در جداول شماره‌های ۱ و ۲ قرار داده شده است.

در برخی از این مهد کودک‌ها جریمه‌ها را پس از ۱۲ هفته حذف کردند. والدین به تأخیر خود ادامه دادند. سیستم اخلاقی که با معرفی جریمه از بین رفته بود نتوانست مجدد بازسازی شود. والدین آموخته بودند که می‌توان دیرکرد را با پرداخت جریمه جبران کنند. برخی اقتصاددانان تلاش نمودند با انجام این آزمایش‌ها ابعادی از رفتارهای اقتصادی را که تاکنون کمتر مورد توجه بوده است شناسایی کنند اقتصاد رفتاری بیش از آنکه یک رشته جدید باشد نشان دهنده آشتی مجدد اقتصاد و روان‌شناسی است؛ زیرا تفکرهای اقتصادی پیشین از ملاحظات روان‌شناختی بیگانه نبودند (Manzor & Taheri, 2013). اقتصاددانان تا مدتها بر آن بودند که تصمیم‌گیریها و اعتقادات افراد از قوانین و اصول منطقی پیروی می‌کند و نظریه‌های خود را بر پایه جهان ایده‌آلی استوار کرده بودند که افراد در آن مانند عوامل عقلایی عمل می‌کردند و از هر فرصتی برای دستیابی به لذت و منفعت بیشتر استفاده می‌کردند (porfaraj, 2013). اقتصاددانان رفتاری استدلال می‌کنند که افراد نه تنها برای تصمیماتی که باید به سرعت گرفته شود، بلکه برای تصمیماتی هم که

جدول ۱. مقاله‌های فارسی

نویسندگان	عناوین	نتایج
عباد تیموری محسن ربانی عبدالحمید معرفی محمدی	نقد انتخاب عقلانی از منظر رویکردهای رقیب: اقتصاد رفتاری، علوم آزمایشگاهی و مغزی (2016)	اگر چه می‌توان ادعا کرد که افراد با توجه به محدودیت‌ها و قابلیت‌های مغزی خود در تمام تصمیمات و انتخاب‌های روزمره از عقلانیت کامل پیروی نمی‌کنند؛ اما نمی‌توان وجود رفتارهای غیر عقلانی فراگیر در تمام جنبه‌های زندگی انسان را نیز تأکید کرد.
کاظم یآوری محمد جواد رضائی مهدی موحدی بکنظر	آیا مدل‌های اقتصاد کلان نیازمند بازسازی است؟ تحلیلی روش‌شناختی از ارتباط میان اقتصاد کلان و اقتصاد رفتاری (2016)	نه فقط مدلی جهان شمول در حوزه‌های گوناگون اقتصاد کلان، به ویژه موضوعات مطرح شده، وجود ندارد بلکه تلاش برای دستیابی به انواع مدل‌های مناسب نیازمند توجه به مفروضات و مطالعات اقتصاد رفتاری دستاورد این مقاله است.
علیرضا پورفرج محمد تقی گیلک حکیم آبادی حبیب انصاری	دینداری و رفتار اقتصادی: روش‌شناسی اقتصاد آزمایشگاهی برای مطالعه انسان اقتصادی اسلام (2013)	ویژگی‌های دینداری افراد مانند دیگر ویژگی‌های شخصی می‌توانند بر رفتار اقتصادی آن‌ها تأثیر بگذارد؛ اما برای اظهار نظر در مورد نحوه تأثیرگذاری و ارتباط درونی و دقیق بین اجزای دینداری و رفتار اقتصادی اطلاعات کافی تجربی در دست نیست.
داوود منظور مجتبی طاهری	عقلانیت اقتصادی در بوته نقد اقتصاد رفتاری (2013)	روندی که تلفیق اقتصاد و روان‌شناسی تاکنون پیموده است را می‌توان به سه دوره اقتصاد رفتاری قدیم، دوران گذار و اقتصاد رفتاری نوین تقسیم نمود که بررسی این سه دوره آخرین دست یافته در زمینه اقتصاد رفتاری موضوعی است که این مقاله به آن پرداخته است.
علی رضا پورفرج	مقدمه‌ای بر اقتصاد رفتاری: مفهوم، روش‌شناسی و شیوه‌های استخراج ترجیحات	با بازی‌های رفتاری می‌توان اثر عضویت در هر طبقه شغلی، درآمدی یا فرهنگی و همچنین جنسیت و تحصیلات را بر میزان خود غرضی، اعتماد، انصاف، تقابل و دیگر تمایلات فردی

مسعود زارع عباس امینی	(2012)	سنجید و برای سیاست‌گذاری فرهنگی از آن سود جست.
--------------------------	--------	--

جدول ۲. مقاله‌های خارجی

نویسندگان	عناوین	نتایج
Jack DiMatteo	A Nudge Towards Excellence : The application of behavioral economics in education policy(2016)	Behavioral economics can be used to incentivize people to choose blueberries instead of bonbons, and the field can also be used to reform education system.
Marianne Bertrand, Sendhil Mullainathan, Eldar Shafir	A Behavioral Economics View of Poverty (2015)	calculating nor The behavioral patterns of the poor , argue, may be neither perfectly biases especially deviant. Rather, the poor may exhibit the same basic weaknesses and as do people from other walks of life, except that in poverty, with its narrow margins for error, the same behaviors often manifest themselves in more pronounced ways and can lead to worse outcomes.
Huriya Jabbar	The Behavioral Economics of Education : New Directions for Research(2011)	No single disciplinary approach is sufficient to understanding the issues of education, but in areas of education research where traditional economic models have been insufficient, and where it is theoretically and practically important to study complex economic phenomena in ways that lead to testable hypotheses or generalizable findings, behavioral economics may offer new and insightful frameworks.
John F. Tomer	What is behavioral Economics? (2007)	as examination Based on our careful comparison of BE's different strands to ME as well of BE's overall characteristics, this paper finds that BE is a school of thought distinguished by the fact that it is much less narrow, rigid, intolerant, mechanical, separate, and individualistic than Me.
Saurabh Bhargava George Loewenstein	Behavioral Economics and Public Policy (2004)	In this essay have discussed a framework for thinking about how BE has and will continue to influence public policy.

اقتصاد رفتاری والدین چه تأثیری بر مدارس خواهد داشت؟

روش تحقیق

با توجه به ویژگی‌ها، شرایط خاص و متفاوت اقتصاد رفتاری و لزوم در نظر گرفتن این عامل، محقق به سمت استفاده از روش کیفی (نظریه داده بنیاد) سوق داده شد که با استفاده از نظریه داده بنیاد دیدگاه‌های متفاوت اقتصاد رفتاری والدین دانش‌آموزان مدارس هیئت امنایی را مورد بررسی قرار گرفت. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه ذی‌نفعان اقتصاد رفتاری در مدارس هیئت امنایی ابتدایی ناحیه یک اردبیل بود که تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. در جدول شماره ۳ نمونه آماری پژوهش ذکر گردیده است.

براساس مطالعات انجام شده، سوالات زیر جهت پاسخ به آن‌ها طراحی شده‌اند:

چه عوامل و مشکلاتی باعث بروز اقتصاد رفتاری والدین دانش‌آموزان شده است؟

آیا شرایط جامعه ما بر عملکرد اقتصاد رفتاری والدین دانش‌آموزان تأثیر گذاشته است؟

عدم وجود چه عواملی بر عملکرد اقتصاد رفتاری والدین دانش‌آموزان تأثیرگذار بوده است؟

چه عامل‌هایی باعث رضایت بر عملکرد اقتصاد رفتاری والدین می‌شوند؟

آیا والدین با اقتصاد رفتاری می‌توان به اهداف مورد نظرشان برسند؟

اقتصاد رفتاری والدین در چه اموری دارای نقص و اشکال است؟

داده شده است. در اولین مرحله نظریه داده بنیاد، پس از اجرای مصاحبه‌ها، کدگذاری باز آغاز می‌شود.

تعداد	افراد مصاحبه شونده
۳	مدیر مدرسه
۴	معلم
۵	اولیای دانش‌آموزان
۲	کادر اداری مدرسه
۱	اعضاء هیئت امنا
۱۵	مجموع

ردیف نوع مقوله	تعداد مقوله	تعداد مفاهیم	تعداد کد
علی	۸	۱۱	۳۶
محوری	۱	۴	۸
زمینه‌ای	۲	۵	۹
مداخله‌ای	۳	۶	۱۳
راهبردی	۳	۷	۱۴
پی‌آمدی	۶	۱۱	۲۱
مجموع	۲۳	۴۴	۱۰۱

گزاره‌های مفهومی اولیه برای دستیابی به مقوله‌های محوری شمارش و سپس مقوله‌های محوری (کدگذاری محوری) آغاز و طبقه بندی کدهای باز و برقراری روابط بین آنها انجام و در نهایت کد انتخابی برای کدهای محوری انتخاب گردید.

برای گردآوری داده‌ها و دستیابی به هدف پژوهش با افراد در نظر گرفته شده مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام گردید. در ابتدای مصاحبه توضیحات کلی در مورد تحقیق و هدف آن به مصاحبه شونده ارائه و سپس مصاحبه شروع می‌شد. در حین مصاحبه افراد سؤال‌ها و یا ابهام‌های احتمالی خود در مورد سؤال‌های مصاحبه و منظور دقیق پژوهشگر مطرح می‌کردند که پژوهشگر جواب مناسب را در جهت رفع ابهام ارائه و مصاحبه ادامه پیدا می‌کرد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۱۵ الی ۲۵ دقیقه بود. نکاتی که در روند انجام مصاحبه مطرح می‌شد یادداشت برداری گردیده تا با مرور چندباره گفت‌وگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های طرح شده مصاحبه شونده‌ها انجام شود. قبل از انجام مصاحبه‌ها، سؤالات و روش مصاحبه به تأیید افراد ذی صلاح رسید و اعتبار آن نیز مثبت ارزیابی گردید؛ همچنین به این دلیل که مصاحبه‌های انجام گرفته به صورت مصاحبه آزاد بود، هرگونه ابهامی که در فرایند مصاحبه به وجود می‌آمد، توضیحات لازم و مرتبط توسط پژوهشگر ارائه می‌گردید. در روش تحلیل داده بنیاد، بعد از مرحله جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، مرحله کدگذاری قرار دارد. این مرحله شامل سه مرحله کدگذاری آزاد، محوری و انتخابی است که در مرحله کدگذاری باز، اقدام به شمارش کدها، مفاهیم و مقوله‌ها می‌شود.

جدول ۵. جریان کدگذاری و تقلیل داده‌ها در تحقیق بر اساس نظریه داده بنیاد

مرحله کدگذاری باز: احصا ۱۰۱ کد باز از فرایند مصاحبه‌ها

مرحله کدگذاری محوری: احصا ۲۳ مقوله از کدهای باز

مقوله علی پژوهش: نبود منابع کافی اقتصادی در مدارس عادی (۱)، ضعف اعتماد اجتماعی به مدارس عادی (۳)، ضعف مشارکت اجتماعی در مدارس عادی (۴)، نبود نیروی متخصص کافی در مدارس عادی (۵)، مشغولیت کاری زیاد والدین (۱)، تخصص نداشتن والدین در امر آموزش (۴)، مقرون به صرفه بودن از لحاظ اقتصادی (۴)، بروز رقابت بین اولیا برای مدارس منتخب «تجمل‌گرایی آموزشی» (۴).

مقوله محوری پژوهش: عملکرد اقتصاد رفتاری والدین (۸).

مقوله زمینه‌ای پژوهش: نبود نیروی انسانی متخصص کافی در مدارس (۵)، کمبود تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری در مدارس عادی (۴).

مقوله مداخله‌ای پژوهش: عوامل و شرایط اقتصادی (۱)، عامل فرهنگی (۴)، عوامل و شرایط ایجاد ناعدالتی آموزشی (۳).

مقوله راهبردی پژوهش: تواناسازی مدارس و نیروی انسانی (۱)، عدم تمرکز و تفویض اختیارات به مدارس عادی (۴)، مشارکت همه جانبه اولیا در مدارس (۴).

مقوله پی‌آمدی پژوهش: گسترش عدالت آموزشی (۵)، مشارکت همه جانبه اولیا در مدارس (۴)، افزایش کارایی مدارس (۵)، جلوگیری از تراکم دانش‌آموزان در مدارس (۴)، بالا بردن اعتماد اجتماعی به مدارس (۳).

مرحله کدگذاری انتخابی: پنج مؤلفه نظریه

مقوله علی (۸)، مقوله محوری (۱)، مقوله زمینه‌ای (۲)، مقوله مداخله‌ای (۳)، مقوله راهبردی (۳)، مقوله پی‌آمدی (۱).

یافته‌های تحقیق

در جدول شماره ۴ تعداد کدها، مفاهیم و نوع مقولاتی که در این تحقیق حاصل گردیده نمایش

بحث و نتیجه گیری

بود. عواملی همچون شرایط اقتصادی، فرهنگی و عوامل ایجاد ناعدالتی آموزشی که به عنوان مقوله‌های شرایط مداخله‌ای بر راهبردها تأثیرگذار هستند.

همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد که نبود نیروی انسانی کافی و کمبود تجهیزات به عنوان مقوله‌های زمینه‌ای مشخص گردیدند و همچنین صورت ایجاد شرایط و امکانات مناسب پیامدهایی مانند گسترش عدالت آموزشی، مشارکت همه‌جانبه اولیا در مدارس، افزایش کارایی مدارس، جلوگیری از تراکم دانش آموزان در مدارس و بالابردن اعتماد اجتماعی به مدارس را به دنبال خواهد داشت.

به دلیل نبود پیشینه پژوهش اقتصاد رفتاری در سازمان‌های آموزشی، اقتصاد رفتاری آموزشی را به عنوان یک مفهوم جدید می‌توان مطرح کرد که از آن نیز به مفهوم جدیدی با عنوان تجمل‌گرایی آموزشی بین خانواده‌ها پی برد؛ همچنین پیشنهاد می‌شود از اقتصاد رفتاری آموزشی به منظور شناسایی رفتار انسان‌ها، رسوم و ارزشهای اجتماعی در جوامع در حال توسعه برای پیشنهاد سیاست‌های مناسب، به منظور پیشرفت و توسعه در امر آموزش استفاده گردد که بسیار مفید و راهگشا است.

اقتصاددانان تا مدتها بر آن بودند که تصمیم‌گیری‌ها و اعتقادات افراد از قوانین و اصول منطقی پیروی می‌کند و نظریه‌های خود را بر پایه جهان ایده‌آلی استوار کرده بودند که افراد در آن مانند عوامل عقلایی عمل می‌کردند و از هر فرصتی برای دستیابی به لذت و منفعت بیشتر استفاده می‌کردند؛ همچنین اقتصاددانان رفتاری ثابت کردند که افراد در برخی موارد کاملاً غیرمنطقی رفتار می‌کنند و انطباق تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های آن‌ها با مدل‌های عقلایی تقریباً ناممکن است در همین راستا و با توجه به مصاحبه‌های انجام شده و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، بر اساس مدل ترسیم‌شده (نمودار ۱)، و بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان، هشت مقوله اصلی تشکیل دهنده شرایط علی هستند. نبود منابع کافی اقتصادی، ضعف اعتماد اجتماعی، ضعف مشارکت اجتماعی، ضعف نیروی متخصص کافی، مشغولیت کاری زیاد والدین، تخصص نداشتن والدین در امر آموزش، مقرون به صرفه بودن از لحاظ اقتصادی، بروز رقابت بین اولیا برای مدارس منتخب «تجمل‌گرایی آموزشی» است.

با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها، این عوامل راهبردی ذیل چند عنوان کلی، شامل تواناسازی مدارس عادی و نیروی انسانی، عدم تمرکز و تفویض اختیارات به مدارس عادی و مشارکت همه‌جانبه اولیا در مدارس بود.

تحلیل یافته‌ها نیز نشان داد که عوامل مداخله‌ای در اقتصاد رفتاری اولیای دانش آموزان نقش دارد. شرایط مداخله‌گر یا میانجی را می‌توان به منزله زمینه ساختاری وسیع تر مربوط به پدیده در نظر گرفت که بر راهبردهای ارائه شده تأثیرگذار خواهند



نمودار ۱. الگوی پارادایمی پژوهشی



References

- Akerlof, G.A., Kranton, R.E. (2010), *Identity Economics: How Our Identities Shape Our Work, Wages, and Well-Being*, Princeton: Princeton University Press.
- Allais, M.(1953). "Le Comportement de l'Homme Rationnel Devant le Risque: Critique des Postulats et Axiomes de l'Ecole Americaine" *Econometrica*, Vol. 21.
- Altman, M. (2012), *Behavioral Economics for Dummies*, Mississauga: John Wiley & Sons,
- Ansari, H., Pourfaraj, A., Zare, M., Amini, A. (2012), "Introduction Behavioral Economics: Concept of methodology and methods of extracting preferences", *Institute of Humanities and Cultural Studies*, second year (1), 29-61. [in Persian]
- Camerer, C., F. Loewenstein, G. Matthew, R. (2004). *Advances in Behavioral Economics*, Russell Sage Foundation, Princeton: Princeton University Press.
- Camerer, C., Loewenstein, G. (2010), "Behavioral Economics: Past, Present, Future", California Institute of Technology, Division of Humanities and Social Science.
- Cyert, R. M., James, G. (1963), "A Behavioral Theory of the Firm", Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.
- Dimatteo, J. (2016) "A Nudge Towards Excellence: The Application of Behavioral Economics in Education Policy" (2016). HON499 projects. 1.
- Earl, P., E. (1988), "Behavioral Economics", Aldershot, U.K.: Edward Elgar.
- Ebad, T., Renani, M., Mohammadi, A., H. (2016), "Critique of rational choice from the perspective of competing approaches: Behavioral economy, Laboratory and Brain Science", *Iranian Economic Research Quarterly* (73), 1-43. [in Persian]
- Economics, Vol. 75.
- Ellsberg, D. (1961). "Risk, Ambiguity and the Savage Axioms", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 75.
- Farhad, R., Motavaseli, M., Amiri, M. (2013), "Behavioral economists and their theories", *Planning and Budgeting* (120), 133-165. [in Persian]
- Gilad, B., Kaish, S. (1986a), "Handbook of Behavioral Economics", Behavioral Economics, http://digitalcommons.lasalle.edu/honors_projects/1
- Huriya, J. (2011), *The Behavioral Economics of Education: New Directions for Research*, *EDUCATIONAL RESEARCHER* 2011 40: 446, <http://edr.sagepub.com/content/40/9/446>
- John F. Tomer. (2007), "What is behavioral economics?", *The Journal of Socio-Economics* 36, 463-479.
- Kahneman, D., Tversky, A. (1979). "Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk", *Econometrica*, Vol. 47.
- Loewenstein, G., Prelec, D. (1992). "Anomalies in Intertemporal Choice: Evidence and an Interpretation", *Quarterly Journal of Economics*.
- Makzoor, D., Taheri, M. (2013), "Economic rationality in the critique of behavioral economics", *Quarterly journal of Economic Research and Policy* (68), 159-174. [in Persian]
- Marianne, B., Mullainathan, S., Shafir, E. (2004), *Bertrand, Marianne, Sendhil Mullainathan, and*

- Eldar Shafir. American Economic Review 94(1): 419-423.
- Markowitz, H (1952). "The Utility of Wealth", Journal of Political Economy, Vol. 60. Microeconomics, Greenwich, Conn.: JAI Press.
- Mullainathan, S. Thaler, R, H. (2001), "Behavioral Economics", In: Neil J. Smelser and Paul B. Baltes, Editor(s)-in-Chief", International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, PP. 1094-1096.
- Porfaraj, A. Gilak, M, T. Ansari, H. (2013), "Religiosity and Behavioral Economics : Laboratory economics methodology for the study of Islamic economics ", Journal of Islamic Economics Studies, seventh, year (2), 33-68. [in Persian]
- Ross, D. (2005), Economic Theory and Cognitive Science: Microexplanations, Cambridge: MIT Press.
- Saurabh, B. Loewenstein, G. (2015), Behavioral Economics and Public Policy 102: Beyond Nudging, Prepared for the American Economic Review, Papers & Proceedings
- Simon, H, A. (1987), "Behavioral Economics", In The New Palgrave, Edited by J. Eatwell, M. Milgate, and P. Newman. New York: W.W. Norton
- Simon, H, A. (1991), "Models of My Life", New York: Basic Books.
- Yavari, K. Rezaei, M, J. Movahedi, M (2016), " Do macroeconomic models need to be restructured? / A methodological analysis of the relationship between macroeconomics and behavioral economics " Institute of Humanities and Cultural Studies, Third year (1), 105-127. [in Persian]

